

## رئیس علی، جلودار قیام...

عصر رئیس علی دلواری در تاریخ مبارزات مردم ایران علیه استعمار  
سید علی موسوی نژاد

### درآمد

مقاله ذیل، اثری چند وجهی است تألیف استاد سید علی موسوی نژاد که از طرفی به شرایط عمومی سال‌هایی که قیام جنوب در این خطه از ایران شکل گرفت، نگارنده در این مطلب که به کنگره هشتمین سالگرد رئیس علی دلواری ارائه شده بود، به علاوه بررسی صورت بندی شده این شرایط، برجستگی‌های شخصیتی شهید دلواری را نیز به بحث و بررسی گذاشته است. در نهایت نیز استاد موسوی نژاد، موفق می‌شود تصویر نسبتاً خوبی از این شخصیت و آن روزگار را ارائه کند.



### مقدمه

برای شناخت ابعاد مختلف یک پدیده اجتماعی، بررسی اوضاع سیاسی-اجتماعی، شرایط عمومی حاکم بر زمان و به طور کلی بستر تاریخ آن پدیده ضروری است. قیام تنگستان نیز که یک پدیده مهم سیاسی-اجتماعی در تاریخ کشور ماست، در مقطع خاص زمانی خود به وجود آمد که مجموعه شرایط سیاسی-اجتماعی-اقتصادی زمان در چگونگی پیدایش، نضج گیری و نتایج مترتب بر آن تأثیر به‌سزایی داشت. در این مقاله با توجه به محدودیت موضوعی و تلاش برای خلاصه نگاری، بررسی همه جانبه قیام مدنظر نبوده و صرفاً به ذکر خلاصه موضوعات مربوطه پرداخته‌ایم.

این مقاله مشتمل بر سه بخش است:

- در بخش اول، با سیری گذرا، اوضاع سیاسی-اجتماعی کشور از زمان تولد شهید رئیس علی دلواری تا آستانه قیام از نظر گذرانده، سپس اوضاع سیاسی بستر جغرافیایی قیام را در معرفی حکام محلی هم عصر رئیس علی و چگونگی رابطه و نقش آنان را در قیام مورد بررسی قرار داده‌ایم.

- در بخش دوم، مبارزات رئیس علی را در طول حیات وی اعم از زمان مشروطیت، جنگ بین‌المللی اول و قیام ۱۳۳۳ مورد اشاره قرار داده و نقش او را در اوج گیری و جلوداری قیام یادآور شده‌ایم.

- در بخش سوم به معرفی سلسله، نسب و موقعیت خانوادگی رئیس علی پرداخته‌ایم و در پایان انعکاس شهادت آن مرد آزاده را به بررسی گذاشته‌ایم.

شایان ذکر است که ابعاد قیام و شخصیت و نقش آفرینی رئیس علی دلواری در این حرکت مردمی با وجوه مذهبی-ملی، نیازمند تحقیق و تفحص بیشتر است که انتظار می‌رود خداوند بزرگ توفیق این خدمتگزاری را

به اندیشمندان و محققین گرانمایه عنایت فرماید.

### بخش اول

**الف) اوضاع سیاسی-اجتماعی ایران از ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۳ هجری قمری (روزگار زندگانی رئیس علی)**  
نظر به این که تولد رئیس علی دلواری در سال ۱۲۹۹ هجری قمری بوده است که مصادف با سی و پنجمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار است، مبدا بررسی را سال مذکور قرار داده‌ایم. ناصرالدین شاه که در سال ۱۲۶۴ هجری قمری (۱۸۴۸ میلادی) تا سال ۱۳۱۳

**در پی رخدادهای و اوضاع تهران نا به سامان بود و با گسترش انقلاب به ولایات، تقریباً در سراسر کشور هیجان عمومی و جدال نیروهای آزادی خواه و استبدادطلب شایع شد. شیراز و بوشهر به عنوان دو کانون مهم انقلاب مشروطه در جنوب ایران نیز شاهد هیجانات و جدال نیروها بوده است.**

(۱۸۹۶م) یعنی به مدت پنجاه سال حکومت نمود، روند تضعیف حکومت قاجار را که از زمان فتحعلی شاه قاجار دومین پادشاه این سلسله آغاز و در زمان محمدشاه ادامه یافته بود، همچنان استمرار بخشید و علیرغم دوره طولانی سلطنت و وجود افراد شایسته‌ای چون امیرکبیر و میرزا حسین سپهسالار در برهه‌ای از زمان نه تنها از وجود آنان استفاده‌ای در جهت پیشرفت مملکت ننمود، بلکه با خودبینی و ناپختگی و گرایش به

خوشگذرانی، خدمتگزاران به ملت و مملکت را نابود و شیرازه کشور را هر روز بیش از پیش از هم گسیخته نمود.

حدود ۳۶ معاهده و قرارداد تجاری و سیاسی که اغلب از طریق رشوه و خیانت انجام یافته بود، در عهد این پادشاه ظالم و بی‌کفایت و خودخواه با بیگانگان منعقد شد که هر کدام بسار مالی مملکت را افزایش داد و موجبات اضمحلال اقتصادی کشور را فراهم آورد.

به طور کلی موارد زیر، ضربات جبران ناپذیر عهد ناصری به کشور بود که در کارنامه سیاه سلطنت وی درج شده است:

- ۱- از دست دادن حق حاکمیت ایران در افغانستان.
- ۲- تجزیه قسمتی از خاک خراسان.
- ۳- از دست رفتن مرو و سرخس.
- ۴- جدا شدن قسمتی از ترکمنستان از ایران.
- ۵- خروج مسقط از تابعیت دولت ایران، اعلام استقلال.
- ۶- از دست رفتن نیمی از بلوچستان.
- ۷- تجاوز همسایگان به سرحدات کردستان، آذربایجان و استرآباد.

با توجه به موارد فوق در سال ۱۳۱۳ هجری قمری، سلطنت به مظفرالدین شاه فرزند ناصرالدین شاه رسید. این پادشاه بی‌کفایت تر از پدر نیز جز به کبکبه و دبدبه اسطوره‌ای پادشاهی نمی‌اندیشید و به جای فکر پیشرفت مملکت و رفع مشکلات اقتصادی-اجتماعی جامعه، همواره متوجه توسعه حرمسراها و خوشگذرانی‌های هوسبازانه خود بود. ضعف قدرت حکومت مرکزی، وابستگی کشور به بیگانگان بر اساس قراردادهای ننگین فوق‌الذکر، فقر عمومی، اختلاف شدید طبقاتی، درهم ریختگی نظام اداری، شیوع رشوه خواری و نامنی



دست شیخ حسین خان چاه کوتاهی بود. وی از مبارزان ضد استعماری و یکی از ارکان قیام تنگستان به شمار می‌آمد و در این راه خود و چند تن از فرزندان به شهادت رسیدند.

۳- **انگالی:** به عنوان یکی دیگر از مضافات بوشهر در دست احمدخان انگالی بود که از بیگانه حمایت می‌کرد.

۴- **دشتستان:** در دست میرزا محمدخان غضنفر السلطنه برازجانی بود که از مبارزان ضد استعماری محسوب می‌شد. وی در ابتدا به دلیل درگیر بودن با اسماعیل خان شبانکاره‌ای فرصت شرکت در قیام را پیدا نکرد، ولیکن در جنگ سربست چغادک و پس از آن، شرکت فعال داشت، به طوری که برازجان مرکز دشتستان به صورت کانون تجمع و تشکل مجاهدان درآمد.

۵- **تنگستان:** در دست زائر خان اهرمی بود که از مبارزان ضد استعماری و یکی از ارکان قیام به شمار می‌رفت. وی از بستگان رئیس علی بود که سمت ضابطی تنگستان را به عهده داشت.

۶- **دلواری:** مرکز تنگستان ساحلی در دست رئیس علی دلواری بود. او از پیش‌قدمان مبارزات ضد استعماری بود و قلمروش جزء تنگستان محسوب می‌شد.

۷- **شبانکاره:** در دست اسماعیل خان شبانکاره ای بود. وی با بیگانگان همراه و مشغول جدال با غضنفر السلطنه بود.

۸- **حیات داود:** تحت سیطره حیدرخان بندر بیگی (حیات داودی) بود که از وابستگان به اجنبی به شمار می‌آمد. وی در جریان قیام، سعی در تطمیع سران قیام، به خصوص رئیس علی، داشت.

۹- **دشتی:** در دست جمال خان دشتی بود. او ظاهراً موضع فعالی در جریان قیام نداشته است. ولیکن از قرائن برمی‌آید که پشتیبانی‌هایی از مجاهدان می‌نموده است.

۱۰- **بردخون:** از نواحی ساحلی دشتی و کدخدای آن خالوحسین بردخونی (دشتی) از پیش‌قدمان مبارزه با استعمار و متحد رئیس علی بود. وی اولین کسی بود که با اتباع خود به رئیس علی پیوست و پس از شهادت رئیس علی از دلیرترین مبارزین محسوب می‌شد. بعد از تلاش‌های زیاد در یکی از نبردها زخمی و اسیر گردید

انقلاب مشروطه و پس از آن تعارضاتی از قبیل رویارویی آزادی خواهان با مستبدین، رقابت ایل قشقایی با ایل خمسه و نامشخص بودن مرز دقیق ایالت فارس با حکمرانی بنادر، اوضاع پیچیده‌ای را به وجود آورده بود. مورد اخیر یعنی تعارض میان ایالت فارس و حکمرانی بنادر موجب تضعیف قدرت مرکزی و سرگردانی امور اداری نواحی جنوب فارس شده بود. (ج) از سال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵ ه.ق) مداخلات انگلیسی‌ها در جنوب ایران بیشتر شد. در این سال قرارداد معروف تقسیم ایران به سه منطقه میان روس و انگلیس به امضاء رسید. طبق این قرارداد، فارس منطقه تحت نفوذ انگلستان نبود. اما انگلستان می‌خواست در عمل چنین باشد. لذا به بهانه حفظ امنیت راه‌های تجاری

و حفاظت از اتباع خود از سال ۱۹۰۹ شروع به مداخله نظامی نمود. این امر، اوضاع فارس را آشفته کرد و با دسیسه‌گری و تفرقه افکنی، برآشفتگی اوضاع بیش از پیش افزود.

(د) رقابت میان قدرت‌های محلی اعم از خوانین و کدخدایان: این امر اگر چه پدیده تازه‌ای نبود، اما در چنین شرایطی بیش از پیش فرصت بروز و ظهور یافت. در اختلافات میان قدرت‌های محلی عواملی مانند: مناقشات ملکی و حوزه نفوذ حکمرانی، رقابت‌های تجاری و دشمنی‌های خانوادگی نقش داشت. علاوه بر این‌ها، دخالت اجنبی و وابستگی بعضی از عناصر محلی بدان نیز از عوامل مهم کشمکش‌های محلی بود. این امر در سال‌های بعد، موجب صف بندی حکام محلی در سال‌های جنگ جهانی اول شد.

**خالوحسین بردخونی (دشتی) از پیش‌قدمان مبارزه با استعمار و متحد رئیس علی بود. وی اولین کسی بود که با اتباع خود به رئیس علی پیوست و پس از شهادت رئیس علی از دلیرترین مبارزین محسوب می‌شد. بعد از تلاش‌های زیاد در یکی از نبردها زخمی و اسیر گردید که پس از بهبود، در جریان مبادله اسراء آزاد گشت.**

(ج) **مراکز قدرت و حکام هم عصر رئیس علی** در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ ه.ق، در مناطق مختلف استان بوشهر کنونی، مراکز قدرت به شرح زیر بودند:

۱- **بوشهر:** (مرکز حکومت بنادر): در سال ۱۳۲۴ احمدخان دریابگی حکمران بود. بعد، جای خود را به میرزا علی محمد خان موقر الدوله داد و سپس در سال‌های جنگ جهانی اول، بار دیگر، دریابگی به قدرت رسید.

۲- **چاه کوتاه:** به عنوان یکی از مضافات بوشهر در

عمومی، میراثی بود که از مظفرالدین شاه به پسرش محمدعلی شاه رسید. بی‌کفایتی محمدعلی شاه و فساد درباری وی نیز چون آباء او بر وخامت اوضاع سیاسی- اجتماعی کشور افزود و روز به روز سرنوشت ملت به دست دول بیگانه و بر اساس سیاست‌های آنان بیشتر رنگ می‌بخت و به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد.

اوضاع آشفته مملکت و بی‌توجهی دربار و حکومت، کاسه صبر علماء و روشن‌فکران کشور را که تا آن روز گاه‌گاهی در امور مملکت و سرنوشت ملت دخالت می‌نمودند و به طور مقطعی اصلاحاتی در قالب نظام مستبد پادشاهی به وجود می‌آوردند، لبریز نمود و از طریق وعظ و خطابه و نشریات و جراید به افشاگری موقعیت آشفته مملکت و فساد دربار و سلطنت پرداختند. مبارزات پیگیر و آگاهی بخشیدن به مردم از سوی علماء و اندیشمندان منتج به اوج گیری قیام مردمی و پی ریزی انقلاب مشروطیت شد که واکنش محمدعلی شاه به تبعیت از سیاست‌ها و دستورات دول بیگانه خصوصاً روس، به توپ بستن مجلس شورای ملی و روی کار آمدن دوران استبداد صغیر گردید. هر چند که حکومت محمدعلی شاه با قتل و کشتار و تبعید آزادی خواهان بیش از یک سال دیگر به طول نیانجامید و در سال ۱۳۲۷ هجری قمری، احمدشاه نوجوان ۱۲ ساله به سلطنت رسید، اما به دلیل ادامه حیات پادشاهی و عوارض ذاتی سلطنت موروثی زندگی عمومی مردم و اوضاع کلی جامعه بهبود نیافت. نیابت سلطنت به دلیل کم سن و سال بودن احمدشاه، به عضد الملک رئیس ایل قاجار و پست صدارت به محمد ولی خان تنکابنی واگذار شد.

قیام‌های مردمی مشروطه خواهان در مناطق مختلف کشور علیه استبداد صغیر که منجر به سقوط محمدعلی شاه گردید، نفوذ عناصر وابسته خارجی در بین آزادی خواهان را از بین نبرد. قرارداد ۱۹۰۷ میلادی بین دولتین روس و انگلیس زمینه دخالت مستقیم در امور داخلی کشور را برای اجنبی فراهم آورد و نفوذ این عناصر وابسته زمینه حضور بیگانگان را بیشتر فراهم می‌کرد. وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ و مسائل مختلف جهانی و منطقه‌ای آن زمان بهانه اشغال جنوب کشور را برای استعمارگر انگلیس به وجود آورد.

(ب) **اوضاع سیاسی نواحی جنوبی فارس از ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ ه.ق**

در فاصله ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ ه.ق، یعنی حد فاصل انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول، اوضاع سیاسی نواحی جنوبی فارس سخت آشفته بود. دلایل و عوامل این آشفتنگی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

الف) همان طور که اشاره شد، در سال ۱۳۲۴ ه.ق انقلاب مشروطیت آغاز گردید و در پی آن سال‌های استبداد صغیر فرا رسید. در پی این رخدادها اوضاع تهران تا به سامان بود و با گسترش انقلاب به ولایات، تقریباً در سراسر کشور هیجان عمومی و جدال نیروهای آزادی خواه و استبدادطلب شایع شد. شیراز و بوشهر به عنوان دو کانون مهم انقلاب مشروطه در جنوب ایران نیز شاهد هیجانات و جدال نیروها بوده است.

(ب) استان پهناور فارس در اواخر قاجاریه شامل فارس کنونی، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان، دارای سواحل گسترده، مردمان بسیار و قبایل متعدد همراه با عایدات اقتصادی مهمی بود. در این استان در سال‌های



که پس از بهبود، در جریان مبادله اسراء آزاد گشت. لازم به ذکر است که در این زمان، کلاتر کازرون، ناصر الدیوان و ایلخان قشقایی اسماعیل خان صولت الدوله و هر دو از این‌ها مبارزان ضد استعمار بوده‌اند. ایالت فارس با مهدی قلی مخبر السلطنه بود که با وطن دوستان همراهی می‌کرد.

نکته شایان توجه این‌که وجود علماء مبارز و آگاه زمان چون مرحوم سید مرتضی علم الهدی اهرمی، شیخ محمدحسین برازجانی و روحانیون منطقه دشتی و همچنین مرحوم شیخ جعفر محلاتی در شیراز و سید عبدالحسین لاری از پشتوانه‌های مستحکم قیام به شمار می‌رفت و همراهی مردم با سران قیام برخاسته از فتاوی‌های علماء و نظر مساعد آنان نسبت به شرکت در مبارزه ضد استعماری بود.

#### بخش دوم

#### مبارزات رئیس‌علی دلواری

#### رئیس‌علی دلواری و نهضت مشروطیت

حکومت خاندان قاجار، به دلیل بی‌کفایتی شاهان این سلسله و بنا به خصلت ذاتی سلطنت، پرداختن به عیش و نوش و ایجاد حرمسراها را جایگزین تلاش برای حفظ ثغور و حراست از کیان مملکت نموده بود. ظلم و تعدی به رعیت، حیف و میل بیت‌المال، عدم تمایل و توانایی در ایجاد رشد و توسعه اقتصادی، ضعف قدرت نظامی و نتیجه تسلیم‌پذیری در مقابل هجوم بیگانگان و تن دادن به قراردادهای ننگین با آنان، زمینه‌نارضایتی اجتماعی را هر روز بیش از پیش فراهم می‌ساخت. این نارضایتی در زمان‌های مختلف به شکلی بروز می‌کرد. از عهد فتحعلی شاه که قراردادهای شوم در قالب عهدنامه‌های ترکمانچای و گلستان با دولت روس منعقد شد تا زمان ناصرالدین شاه که بحث دادن امتیازات در شکل واگذاری امتیاز تنباکو به دولت انگلستان به میان آمد، اندیشمندان و آزادی‌خواهان کشور اقدامات مؤثری نمودند که با ایجاد وحدت، منتج به انقلاب مشروطیت گردید. در زمان ششمین پادشاه قاجار، محمدعلی شاه، قرارداد ۱۹۰۷، مملکت ایران را بین دولتین روسیه و انگلیس تقسیم نموده، شمال را به روس‌ها و جنوب را به انگلیسی‌ها واگذار نموده بود. جنب و جوش عمومی در بین مردم ایجاد گردید و آزادی‌خواهان به رهبری علماء عظام دست به اقدامات جدی علیه حکومت زدند.

عکس‌العمل محمدعلی شاه منجر به شدت عمل علیه انقلابیون و مآلاً به توب بستن مجلس توسط لیاخوف روسی در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ گردید و فشار بیش از حد بر مردم وارد آورد که در تاریخ، از آن به آغاز دوران استبداد صغیر یاد می‌شود. زندان و تبعید آزادی‌خواهان و قتل و کشتار مردم، جامعه روحانیت را که پیشرو انقلاب مشروطیت بود بر آن داشت تا از سوی مراجع عظام در داخل کشور و حوزه علمیه نجف اشرف در خارج، حکم جهاد صادر شود. مردم مسلمان و انقلابی ایران در جای‌جای مملکت، دیگر بار همچون زمان فتاوی‌مرجع بزرگ، مرحوم آیت‌الله شیرازی در واقعه رژی، به ندای مراجع لیبیک گفتند و در هر گوشه‌ای به جهاد علیه مستبدین داخلی و استعمارگران خارجی پرداختند. تبریز، رشت، اصفهان، بختیاری، فارس و بسیاری دیگر از مناطق میهن، صحنه پیکارهای خونین با عوامل استبداد گردید. در لارستان فارس نیز

مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین لاری حکم جهاد صادر و مردم را به مقابله با مستبدین دعوت نمود. در بوشهر مرحوم آیت‌الله سید مرتضی علم الهدی اهرمی، به دنبال فتاوی‌مجتهد لاری، حکم جهاد اعلام و مردم را به ایستادگی در برابر مستبدین تشجیع نمود. در این میان رئیس‌علی دلواری در کنار مرحوم علم الهدی و با همکاری احرار، از جمله مرحوم میرزا علی کازرونی، به مقابله با عوامل استبداد برخاست و با پشتیبانی تفنگچیان دریادل تنگستانی توانست مردم را وادار به استنکاف از اداء مالیات به دولت نماید. او گمرک و سایر ادارات دولتی را در اختیار گرفت و بدین سان موقعیت مشروطه طلبان و آزادی‌خواهان را در جنوب کشور تحکیم بخشید. بی‌شک نقش مؤثر رئیس‌علی دلواری در این برهه حساس از تاریخ کشور و اقدام دلیرانه وی به پیشوایی مرحوم مجتهد اهرمی، همزمان با فداکاری‌های آزادی‌خواهان در سراسر کشور منجر به پیروزی ملت بر حکومت مستبد محمدعلی شاهی گردید و موجبات عزل وی را از سلطنت در تاریخ ۲۵ جمادی‌الآخری سال ۱۳۲۷ فراهم آورد. شرح مبارزات رئیس‌علی دلواری در دروه مشروطیت را برخی نویسندگان به رشته تحریر درآورده‌اند. در کتاب فارس و جنگ بین الملل اول نوشته محمدحسین رکن‌زاده آدمیت چنین آمده است: «... نخست بار حسن ملکاتش (رئیس‌علی) در زمان استبداد صغیر هویدا شد، به این معنی که پس از آن‌که بوشهر به تحریک و تهییج میرزا علی کازرونی و پیشوایی سید مرتضی مجتهد اهرمی از اداء مالیات به مأمورین دولت استنکاف ورزیدند و برای قبضه بوشهر از طرف ملت مجبور به دعوت اهالی تنگستان شدند، مرحوم رئیس‌علی خان، برحسب تقاضای کازرونی با یک عده صد نفری تفنگچی به بوشهر آمد و پس از تصرف گمرک و سایر ادارات دولتی محافظت مال‌التجاره که در گمرک بود و قیمت آن‌ها بالغ بر دو میلیون تومان می‌شد به او واگذار شد و به شهادت کسانی که

**رئیس‌علی دلواری در کنار مرحوم علم الهدی و با همکاری احرار، از جمله مرحوم میرزا علی کازرونی، به مقابله با عوامل استبداد برخاست و با پشتیبانی تفنگچیان دریادل تنگستانی توانست مردم را وادار به استنکاف از اداء مالیات به دولت نماید.**

در آن وقت متصدی امور داخلی گمرک بودند (از جمله مؤسس خان) یک سیر شکر یا یک گره منسوجات حیف و میل نشد و این موجب تعجب و تحیر خودی و بیگانه گشت که چگونه در نتیجه درستکاری و امانتداری مرحوم رئیس‌علی خان یک نفر از تفنگچیان به اجناس مذکور دستبرد نرزد.» (رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین: فارس و جنگ بین الملل. اقبال. تهران. ص ۶۹) در کتاب جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری نوشته علی مراد فراش‌بندی نیز چنین نقل شده است: «... رئیس‌علی در این مبارزه پیش قدم شد و به موقع، به اتفاق دویست نفر تفنگدار ورزیده، شبانه رهسپار بوشهر

گشت و بلافاصله اداره گمرک را اشغال کرد... بوشهر حدود نه ماه در اشغال طرفداران رژیم مشروطه بود و در طول این مدت سید مرتضی (مجتهد اهرمی) که حاکم علی‌الاطلاق بر مقدرات مردم آن بندر بود به رفق و قسق امور آنان می‌پرداخت و مشکلات و معضلات موجود را به نحو کدخدانمشی حل و فصل می‌نمود.» (فراش‌بندی. علی مراد: جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، شرکت سهامی انتشار. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۷. ص ۴۲)

#### مبارزات رئیس‌علی دلواری علیه قوای انگلیس در جنگ بین الملل اول

توسعه طلبی‌های کشورهای غربی و تاخت و تازهای توسن نفس استعمارگران در دست اندازی به سرزمین‌های ملل مستضعف، موجبات بروز جنگی تمام عیار را به تقابل متحدین و متفقین فراهم آورد که به مدت چهار سال از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی به طول انجامید و جنگ بین الملل اول نام گرفت. انگلستان که از زمان قرارداد ۱۹۰۷ جنوب ایران را سهمیه خود می‌دانست، به علاوه از دیرباز طی یک استراتژی درازمدت، خلیج فارس را مطمح نظر خویش قرار داده بود، سیاست توسعه طلبانه خود را به بهانه‌های واهی، در مواقع مختلف به مرحله اجرا می‌گذاشت.

در زمان حکومت محمدشاه قاجار، کشور انگلستان به بهانه هجوم ایران به هرات در سال ۱۲۵۴ جزیره خارک را اشغال نمود و بوشهر را تهدید به اشغال کرد که با درایت مرحوم شیخ حسن آل‌عصفور و رشادت باقرخان تنگستانی و اهالی غیور بوشهر، تنگستان و توابع، با این تهدیدها با جدیت مقابله شد.

بار دوم در سال ۱۲۷۳ ه.ق یعنی ۱۸ سال بعد، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، انگلیس، مجدداً به بهانه تصرف هرات توسط دولت ایران و در اصل همچون سال ۱۲۵۵ به خاطر حفظ و حراست از منابع ناحق خود در شبه جزیره هندوستان و در اختیار گرفتن موقعیت استراتژیک افغانستان و جلوگیری از نفوذ و اقتدار ایران و همچنین ترس از گسترش نفوذ دولت روسیه به سواحل جنوبی ایران لشکرکشی نمود و خارک و بوشهر را اشغال کرد که علیرغم ساز و برگ فراوان نظامی و طراحی دقیق نقشه‌های جنگی، لطمات زیادی از تنگستانی‌ها به رهبری باقرخان متحمل شد.

در سال ۱۹۱۳ یعنی یک سال قبل از شروع جنگ جهانی اول نیز جنگ مهمی بین قشون انگلیس و مجاهدان تنگستانی واقع شد که به نقل از علی مراد فراش‌بندی در کتاب «گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارز تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار» به طور خلاصه چنین آمده است:

«یکی از فرزندان زائرعلی فرزند عوض از اهالی قریه رستمی (از توابع تنگستان) به نام زائرحسین در ارتباط با خرید اسلحه به مسقط و دبی مسافرت می‌نماید و در آن‌جا به علت شکسته شدن کشتی آنان بر اثر طوفان، محموله هایش مورد دستبرد و چپاول اتباع شیخ دبی قرار می‌گیرد. درگیری حاصله بین زائرحسین و هشت نفر عمه کشتی از یک طرف و اتباع شیخ از طرف دیگر، هشت روز به طول می‌انجامد. زائرحسین و همراهانش با تردستی و رشادت از چنگال عمال شیخ بیرون میروند و پس از تهیه اسلحه کافی، به تلافی، سرنشینان یک فرزند کشتی مربوط به اهالی دبی را مورد

الشهداء که به تنهایی در صحرائی کربلا با لب تشنه شهیدش کردند و در کوفه، حبیب بن مظاهر به تنهایی به یاری آن امام مظلوم حرکت کرد... و از این طرف هم حکم محکم علمای اعلام بر وجوب جهاد، البته خدا با ماست و فتح و نصرت نصیب جیش اسلام خواهد بود. در خانه نشستن و راحت طلبیدن، تمام وسوسه شیطان است. مستحق آن نیستیم که خدا و رسول (ص) را از خود خشنود سازیم؟»

باری، اعتقاد راسخ به جایگاه ولایت و احکام شرعی و وجوب عمل به فتوای مجتهدین که در جای جای نامه متذکر شده و همچنین پذیرش رهبری دینی و پیشوایی و گرایش مذهبی او از نشانه های بارز این نامه است.

## ۲- حسن وطن دوستی و ملت خواهی

در فرازی چنین آمده است: «... هر آینه... امید از آن وجود مبارک که در حقیقت، مجسمه شرف و وطن و اسلام خواهی است نداشتیم، هر آینه تا حال، پروانه وار خود را فدای ملت و وطن و اسلامیت کرده بودم...»

## ۳- شجاعت، غیرت و اتکاء به نفس و استقلال عمل

«... ای به فدای همت و غیرت و شجاعت گردم... همین قدر اطمینان از حضرت مستطاب عالی دارم که روا مضایق از خط بیرون نمی‌روید و جان را ناقابل می‌دانید؛ نه مانند اشخاص راحت طلب تبل. راحت این دنیای فانی را به هیچ نمی‌شمارید... و نام نیک ابدی به غیر از جان شیرین نیست، نه آن که مرعوبانه، هر وقت طرف مقابل، مُئل گریه را ساخت و مومو کرد، مثل موش برونند. این گونه احساسات، قابل همدردی با اسلام و وطن نیست. در تاریخ دنیا چنین اشخاص را ننگ عالم انسانیت دانسته‌اند. امروز روزی است که هر کس ادعای شرف و اسلامیت و وطن پرستی دارد، باید امتحان داده از بوته امتحان بی غل و غش به در آید، چنانچه عقلا فرموده‌اند:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان  
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

انگلیسی‌ها انتشار می‌دهند که «فلان، حمایت قنصل جرمن دارد» به حول و قوه خداوندی، از هیچکس اندیشه و پاک ندارم. می‌خواهند به تشر، بنده را بترسانند... اگر از مردم مأیوس شده‌اید که همراهی ندارند اجازه بفرمایید تا خودم هنگامه بلند کنم و دست به کار شوم»

## شناخت موقعیت و روحیات دشمن و دارا بودن دیدگاه ملی و فرمانطقه‌ای

«... به بوشهر هم نمی‌تواند اردو پیاده کنند، در صورتی که خودمان نزدیک و مواظب آن‌ها باشیم، چرا که بنده به خوبی این‌ها را (انگلیسی‌ها) می‌شناسم. هر آینه، فی الجمله حمله ای به عساکر ایشان در قلعه بهمنی شده بود، الآن بصره خالی بود. قوه و مخارج از بوشهر جهت آن‌ها حمل می‌شود... خوب ملاحظه فرمایید روزی بهتر از امروز برای اهالی ایران فراهم نیست. یک طرف دولت آلمان، یک طرف دولت اتریش و عثمانی چه کارها بر سر انگلیس و روس آورده‌اند. دیگر انگلیس چه عضوی دارد که ماها باید از آن‌ها بترسیم؟!...»

## شناخت موقعیت و وضعیت نیروهای خودی

«... می‌دانم که مردم در این کار چندان مساعدت و همراهی نمی‌کنند و بنده هم پابست کرده‌اند که نظرم به سوی ایشان است... [از قرائن موجود در همین نامه روشن می‌شود که منظور از مردم، عمدتاً متوجه سران برخی از قبایل و طوایف و خوانین و بعضی روحانیون

**مرحوم رئیس علی خان، بر حسب تقاضای کاررونی با یک عده صد نفری تفنگچی به بوشهر آمد و پس از تصرف گمرک و سایر ادارات دولتی محافظت مال التجاره که در گمرک بود و قیمت آن‌ها بالغ بر دو میلیون تومان می‌شد به او واگذار شد و به شهادت کسانی که در آن وقت متصدی امور داخلی گمرک بودند (از جمله مؤسس خان) یک سیر شکر یا یک گره منسوجات حیف و میل نشد.**

انگلستان برای خود ترسیم نموده بود. حضور ناوگان انگلیس در خلیج فارس و به دست گرفتن سرنوشت امت مسلمان ایران و عراق، علماء نجف اشرف از جمله آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی و سید مصطفی کاشانی را به صدور حکم جهاد واداشت. مجتهدین مقیم بوشهر، مرحوم آیت الله سید عبدالله بلادی، سید مرتضی علم الهدی اهرمی و شیخ محمدحسین برازجانی نیز مردم را به جهاد با کفار روس و انگلیس ترغیب و تحریص نمودند. این بار نیز تنگستانی‌ها به فرماندهی شهید رئیس علی دلواری، اولین پاسخ را به ندای علماء دین سر دادند. نیروی دریایی انگلیس، بوشهر را به عنوان پایگاه دریایی برگزیده و مازور کاکس به عنوان نماینده سیاسی و نظامی انگلیس در بوشهر مستقر شده بود. دو ماه قبل از اشغال بوشهر، کاکس نامه ای به شیخ محمدحسین برازجانی نوشت و با تهدید و تطمیع، سعی در هماهنگ کردن او با سیاست‌های دولت انگلیس نمود که با جواب دندان شکن وی رو به رو شد. پاسخ دلیرانه شیخ، رئیس علی دلواری را بسیار شادمان نمود و در تاریخ ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۳۳۳ مرحوم رئیس علی طی نامه ای به شیخ محمدحسین برازجانی، ضمن تقدیر از جواب قاطع وی به فرمانده سیاسی و نظامی انگلستان، تصمیم صریح خود را مبنی بر مبارزه جلدی با قشون انگلیس مبرهن ساخت. این نامه که گویاترین سند تاریخی و حاوی انگیزه و هدف رئیس علی از مبارزه با قوای انگلیسی است، از نمادهای مذهبی و ملی قیام تنگستان محسوب می‌شود و خط بطلانی بر هر گونه برداشت و تحلیل انحرافی از قیام کشیده است. نکات برجسته در متن نامه که به نقل از کتاب فارس و جنگ بین الملل اول، اصل مکتوب به خط شهید رئیس علی در دست نویسنده کتاب قرار دارد، به شرح ذیل است:

## ۱- صبغه دینی و مذهبی و اسلام خواهی به عنوان ریشه هدف و اساس حرکت

نمونه‌ها و فرازهایی از نامه چنین است: «... قربانت گردم، درجه بهشت پیدا کردن و شربت شهادت را داوطلبانه خواستن باید همتی عالی و عزمی راسخ داشت... کسی که حکم سخت علماء دیده باشد و حکم امام باشد و جنگ نکند بهانه آن چیست؟... همین قدر با خود خیال کردم که بنی هاشم در مدینه بسیار باقی ماند، جز حضرت سید

حمله قرار می‌دهند، عده ای را به قتل می‌رسانند و سالم به تنگستان مراجعت می‌نماید. نمایندگی انگلیس در خلیج فارس به بهانه تحت الحمایه بودن دبی توسط دولت انگلستان، درخواست شیخ دبی را مبنی بر تعقیب افراد مذکور پیگیری می‌نماید. فرصت به دست آمده، دستاویزی برای نیروهای انگلیسی شده و کشتی خود را با تجهیزات و قشون فراوان در تعقیب زائر حسین روانه ساخته و در ساحل دلوار لنگر می‌اندازند. ژنرال کاکس نماینده دولت انگلیس در بصره و حوزه خلیج فارس و مستر چیک کنسول انگلیس در بوشهر شخصاً حضور یافته و خواستار عودت زائر حسین و پدرش زائر علی، از کلدخدای دلوار (رئیس علی) می‌شود. رئیس علی در پاسخ به نامه کاکس می‌نویسد: «چنانچه تعداد یک هزار و پانصد نفر سرباز با مهمات کافی و مخارج لازم در اختیار من بگذارید، امکان دارد آنان را مقتول سازم و اجسادشان را به دست آورم، زیرا مادام که در قید حیاتند و جان در بدن دارند، دستگیر ساختن آنان به هیچ وجه امکان پذیر نیست. هر آینه اقدام به جنگ نمائید، تردید نیست مقابله به مثل خواهد شد و عکس العمل نشان خواهم داد.» پاسخ صریح رئیس علی بهانه ای بود تا قوای انگلیس ایجاد درگیری نمایند که به نوشته غلامعلی سملی در یادداشت‌های خویش، سپاهی به تعداد ده هزار نفر به وسیله هشت ناو جنگی، ساحل تنگستان را لنگرگاه خود قرار دادند. جنگ سختی بین نیروهای انگلیس و رزمندگان تنگستانی آغاز شد و مدت بیست روز توپخانه سنگین و سبک انگلیسی‌ها از صبح تا غروب ساحل دلوار و محمدعمری را بمباران نمود و در طول این مدت تلاش به پیاده کردن نیرو در ساحل داشتند که دلبران تنگستانی هر بار با کشتار وسیعی از نیروهای دشمن مانع می‌شدند. انگلیسی‌ها مدت یک ماه در دریا توقف نمودند و چون از نتیجه کار مأیوس شدند، با دادن تلفات فراوان، ناچار سواحل تنگستان را ترک گفتند.

در سال ۱۹۱۵ در بجنوبه جنگ جهانی، انگلستان با این پیشینه های تاریخی و پروراندن کینه تنگستانی‌ها در دل، شرایط و اوضاع جهانی را آماده دست درازی به سواحل خلیج فارس دید و بار دیگر خطه جنوب ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار داد. جلوگیری از نفوذ آلمان و دولت عثمانی و سرکوب قبایل عشایر جنوب، خصوصاً تنگستانی‌ها و دستیابی به موقعیت استراتژیک خلیج فارس، طرح‌هایی بود که دولت





ذی نفوذ بوده است، نه عوام معتقد و رعایای پیرو که بی شک تبعیت از سران قوم داشتند. [اگر از مردم مایوس شده‌اید که همراهی ندارند... الآن در کربلا و نجف در جنگ تمام علماء و پیشوایان دین ما در جهاد آب چشمان خود می‌خورند و امیدهای کلی از ما داشتند که خیال می‌کردند به ورود حکم تمام اهل دشتستان و تنگستان، بی بهانه دست به کار می‌شود. الحمدلله (به طریق استعجاب و تأثر) از این طرف مایوس شدند. چنانچه تا به حال خدمت آقای حاج سید غلامحسین (از علمای بوشهر) ده عریضه عرض کرده‌ام، جانب خدا به کلی جواب نکرده‌اند...]

### خشتم مقدس از جنایات دشمن و تهییج و تشجیع در قبال آن

«... روس و انگلیس، حق دارند اگر خودمان هیچ کاری نکنیم و آسوده بنشینیم! چرا که همه نوع احترام به بقعه مقدس امام ثامن (ع) در شمال و احترام به منبر سید الشهداء (ع) در جنوب کردند. در بمباران دمان دلبار (همان دلوار) کارهای خوب کردند! تف به ما، تف به ما...»

به طوری که ملاحظه می‌شود، نامه سراسر سوز و عشق به دین و میهن و ملت رئیس‌علی، در بردارنده نکات ظریف و مهمی است که شایسته تحلیلی عمیق و غوری دقیق است و با توجه به برهه زمانی و موقعیت اجتماعی وی، در محتوا و صراحت کلام، منحصر به فرد است. می‌توان به خوبی ادعا نمود که همین نامه، به تنهایی، آینه تمام نمای شخصیت و انگیزه‌های حرکت رئیس‌علی و ترسیم کننده موقعیت و وضعیت دیگران در این قیام ایتارگرانه است. (عزم و اراده رئیس‌علی، منبعث از ایمان به اسلام بوده و حسن وطن دوستی او را از مطلب ذیل می‌توان به خوبی دریافت. در کتاب دلبران تنگستانی، نوشته رکن زاده آدمیت، نقل شده است: رئیس‌علی در سفری که به اتفاق خالو حسین دشتی، در اوایل ماه رمضان سال ۱۳۳۳ هجری قمری به بوشهر داشته است، ضمن ملاقات با حاج سید محمدرضا کازرونی، یکی از روحانیون مبارز بوشهر که از جمله تجار دستکار و مؤمن و وطن دوست بود، در منزل ایشان به کلام الله مجید سوگند یاد می‌کند که اگر انگلیسی‌ها بخواهند بوشهر را تصرف و به خاک وطن تجاوز نمایند، در مقام مدافعه برآیم و تا آخرین قطره خون من بر زمین نریخته است، دست از جنگ و ستیز با آنان نکشم و اگر غیر از این رفتار کنم، در شمار منکرین و کافرین به تو (قرآن) باشم و خدا و رسول از من بیزار باشند.)

### اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس

به طوری که ذکر شد، آیت الله محمدحسین برازجانی، در پاسخ به نامه کاکس، نه تنها ادعاهای دولت انگلیس مبنی بر سرپرستی کشورهای اسلامی و اظهار دوستی آن دولت با ملل اسلامی و همچنین شایعه تحریکات کنسول آلمان در مورد تنگستانی‌ها و طوایف دیگر را رد نمود، که صراحتاً اعلام داشت در صورت اقدام هرگونه حمله و اشغال مناطق از سوی قوای انگلیس، مردم غیور تنگستان و دشتی و دشتستان زیر بار ذلت نخواهند رفت و بروز هر حادثه‌ای خارج از مسؤلیت وی، و صرفاً به عهده دولت انگلستان است. در ماه مارس ۱۹۹۵ میلادی، انگلیسی‌ها به بهانه ارتباط کنسولگری آلمان در بوشهر با تنگستانی‌ها و تحریک آنان علیه انگلیسی‌ها، اقدام به محاصره کنسولخانه آلمان و دستگیری دکتر هیستمان،

کنسول و هرآیزنهوت، رئیس تجارتخانه (ونکهاوس) و تبعید آنان به هندوستان نمودند که خود نقض آشکار بی‌طرفی ایران بود.

این امر، موجب برانگیختن خشم ایرانیان گردید و تحریکاتی علیه نیروهای انگلیسی صورت گرفت. در ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۵ رئیس‌علی دلواری، در یک حمله ناگهانی، در حوالی تنگک زنگنه، یک صاحب منصب، نایب کنسول انگلیس در بوشهر و عده‌ای سرباز هندی را به هلاکت رساند.

وقوع این حوادث و پاسخ دندان شکن شیخ محمدحسین برازجانی به انگلیسی‌ها موجب شد که در هشتم اوت ۱۹۱۵ میلادی، بوشهر توسط قوای بریتانیا اشغال گردد. بدین سان با تجاوز علنی به تحریم خاک کشور ایران، احساسات ملی و مذهبی غیورمردان این خطه را برانگیختند. چون شرح کلی ماجرا در این مقاله نمی‌گنجد، ضرورتاً به بررسی اجمالی و نکات برجسته نقش شهید رئیس‌علی دلواری می‌پردازیم.

### تطمیع و تهدید انگلیسی‌ها و پاسخ رئیس‌علی

با اشغال بوشهر، انگلیسی‌ها رئیس‌علی به مقابله پرداخت و با درگیری‌های پراکنده و شبیخون‌های مکرر به نیروی دشمن، مانع از انجام برنامه‌های آنان گردید. انگلیسی‌ها که کانون خطر را دلوار و سرسخت‌ترین دشمن خود را رئیس‌علی می‌دانستند، تلاش نمودند با تطمیع، وی را جذب و سیاست همیشگی خود را در خنثی نمودن خطرات از طریق تطمیع اجرا کنند، لذا حیدرخان حیات داودی را که حلقه به گوش آنان بود و اداری نمودند دو نفر اتباع خود را نزد رئیس‌علی اعزام کنند. نمایندگان حیدرخان به دلوار عزیمت کردند و به رئیس‌علی اعلام داشتند که انگلیسی‌ها وعده داده‌اند در صورت اختیار بی‌طرفی و خودداری از قیام علیه قوای انگلیس، چهل هزار پوند به شما بپردازند. رئیس‌علی با صراحت پاسخ داد: «چگونه بی‌طرفی اختیار کنم،

**مرحوم رئیس‌علی طی نامه‌ای به شیخ محمدحسین برازجانی، ضمن تقدیر از جواب قاطع وی به فرمانده سیاسی و نظامی انگلستان، تصمیم صریح خود را مبنی بر مبارزه جدی با قشون انگلیس مبرهن ساخت. این نامه که گویاترین سند تاریخی و حاوی انگیزه و هدف رئیس‌علی از مبارزه با قوای انگلیسی است.**

در حالی که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است؟! (فراشربندی، علیرماد: جنوب ایران در مبارزات ضداستعماری، ص ۳۰) پاسخ قاطع رئیس‌علی که نشان از ایمان، آگاهی، استقلال و احساس مسؤلیت او داشت، باعث خشم فرماندهان انگلیسی گردید و نامه تهدیدآمیزی از طرف مقامات انگلیسی به رئیس‌علی نگاشته شد که در آن اعلام شده بود: «چنانچه بر ضد دولت انگلیس قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ می‌نماییم. در این صورت خانه‌های تان و بران و نخیلات تان را قطع خواهیم کرد.» رئیس‌علی در پاسخ نوشت: «خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آن‌ها

خارج از حیطه قدرت و امکان امپراتوری بریتانیای کبیر است. در صورتی که آن دولت اقدام به جنگ نماید، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد.»

### رئیس‌علی جلودار قیام

تطمیع و تهدید رئیس‌علی توسط انگلیسی‌ها در آن برهه حساس، نشان از مؤثر بودن شخصیت و موقعیت وی در نظر قوای انگلیس داشت و پاسخ صریح و قاطعش در رد آن پیشنهادها، بیانگر اراده قوی او در برابر دشمنان دین و میهن بود. رئیس‌علی به دنبال پاسخ دندان شکن خود، از یک سو به ارسال پیام به سران طوایف و کدخدایان مناطق همجوار اقدام نمود و از سوی دیگر شخصاً به تقویت نیروهای تحت امر خود پرداخت. ارتباط وی با علماء و کسبه بوشهر، از جمله میرزا علی کازرونی، سید محمدرضا کازرونی و سید مهدی بهبهانی، موجب گردید حرکت نیروهای انگلیسی تحت نظر و برنامه‌های آنان مورد شناسایی قرار گیرد. این ارتباط و حمله او به نیروهای انگلیسی در ۱۲ ژوئیه (۱۰ رمضان ۱۳۳۳) خشم انگلیسی‌ها را برمی‌انگیزد و آن‌ها نقشه حمله به دلوار و قلع و قمع رئیس‌علی را پی ریزی می‌کنند.

### جنگ دلوار و فراگیری قیام مردمی

روز دوم شوال سال ۱۳۳۳ هجری قمری، ناوگان جنگی انگلیس، مرکب از چهار کشتی جنگی به نام‌های «جنو، اودین، لاورنس و اسپکل» در ساحل دلوار لنگر می‌اندازد. به نوشته مورخین، تعداد نظامیان انگلیسی و هندی پنج هزار نفر بوده است. قبل از حرکت ناوگان، رئیس‌علی پیام مجاهدین بوشهر را دریافت می‌کند و از حمله قریب الوقوع نیروی دشمن مطلع می‌شود، نوزادان، کودکان و سالخورده‌گان را به کوه‌های اطراف دلوار انتقال می‌دهد و تفنگچیان خود را آماده دفاع می‌نماید. بمباران روستا توسط توپخانه انگلیسی‌ها آغاز می‌شود و دشمن، اقدام به انتقال نیروهای به خشکی توسط قایق‌های نفربر می‌کند. جنگ مهیبی بین طرفین درمی‌گیرد. تعداد زیادی از سربازان هندی به دست مبارزان تنگستانی کشته می‌شوند. با شدت گیری آتش توپخانه انگلیسی‌ها، مبارزان به دستور رئیس‌علی عقب نشینی تاکتیکی می‌کنند و نیروهای دشمن در ساحل پیاده می‌شوند و وارد روستا می‌گردند آن‌ها به طور وحشیانه‌ای به انهدام و تخریب و سوزاندن منازل و قطع نخیلات می‌پردازند. مجاهدین تا شب به مقابله می‌پردازند و شب هنگام، طی یک عملیات متهورانه، مواضع انگلیسی‌ها را مورد شبیخون و حمله قرار می‌دهند. با نبرد تن به تن نیروهای انگلیسی و هندی در محاصره قرار می‌گیرند و تلفات زیادی متحمل می‌شوند. در این گیر و دار فرمانده عملیات انگلیسی‌ها کشته می‌شود. از بین رفتن فرمانده، روحیه نیروهای دشمن را به شدت تضعیف می‌کند و از سویی توپخانه آنان، اشتباهات، مواضع نیروهای انگلیسی را بمباران می‌نماید، به طوری که علیرغم تعداد زیاد نیروی دشمن، انگلیسی‌ها حداکثر تا ظهر روز بعد، بیشتر تاب مقاومت نداشته با شکست فاحش روستا را تخلیه نموده و عجلولانه ساحل دلوار را ترک می‌نمایند و با کشتی‌های خود برمی‌گردند. عملیات شجاعانه تنگستانی‌ها بدان حد بود که چند قایق را از کنار کشتی‌های جنگی شبانه به ساحل انتقال می‌دهند و صبح، انگلیسی‌ها متوجه این اقدام می‌شوند. بدین سان قوای انگلیس، متفرعانه ساحل را به سوی بوشهر ترک می‌کنند.

شکست نیروهای انگلیسی، علاوه بر تقویت روحیه

مجاهدین تنگستانی، موجب انعکاس وسیع منطقه ای و جهانی پیروزی مجاهدین می گردد. خبر مسرت بخش پیروزی، به سرعت، در مناطق همجوار می پیچد و شعاع قیام را به دشتی، دشتستان، کازرون، فیروزآباد و شیراز می کشاند. نویسنده کتاب فارس و جنگ بین الملل در جلد اول کتاب، در خصوص جنگ دلواری می نویسد: «مکتوبی از رئیس علی خان رسیده بود [نامه به عنوان میرزا علی کازرونی بوده است]. که فرازی از آن چنین است... انگلیسی ها پس از این که در جنگ خشکی [اشاره به نبرد روز ۱۲ ژوئیه در حوالی تنگک زنگنه است که موجب کشته شدن نایب کنسول و یک صاحب منصب انگلیس و عده ای هندی شد] با دلواری ها مغلوب شدند، چهار فروند کشتی جنگی آن ها در مقابل دلواری سناگر انداخته، چند روز متوالی، علی الاتصال، دلواری را گلوله باران کردند و متجاوز از هزار گلوله توپ به دلواری افکندند و ما یکی از گلوله ها را وزن کردیم، بیست و چهار من بوشهر [تقریباً سی من تبریز] وزن داشت و چون از این کار هم فایده نبردند، یک عده هزار نفری تحت فرماندهی یک نفر سلطان انگلیسی پیاده و شروع به جنگ کردند و پس از تلف شدن صاحب منصب مذکور و نصف از قشون، بقیه فرار کرده و به کشتی پناهنده شدند. از ما معدودی بیش زخمی و تلف نشده اند. حال که آنان در خشکی و دریا مغلوب شده اند، دیگر نمی دانم این مرتبه از کدام طرف حمله خواهند کرد. چیزی که هست، از هر جا حمله آوردند، جز این که مغلوب و منکوب شوند، چاره نخواهند داشت. اجساد مقتولین انگلیس در خارج دلواری در گوشه باغی افتاده، اگر مایل باشید تشریف آورده، ببینید.

امضاء علی دلواری

پس از جنگ دلواری، زائر خضرخان ضابط تنگستان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی، ابواب جمعی خود را برای مقابله با انگلیسی ها و پشتیبانی از تنگستانی ها به روستای پهلوان کشتی متمرکز نمودند. مرکز تجمع نیروهای رئیس علی نیز روستای گرگور بود و بدین آرایش برنامه ریزی برای ادامه نبرد انجام گرفت.

از خصوصیات دیگر این نبرد، این که خبر پیروزی تنگستانی ها به عنوان پیروزی مسلمین بر کفار مطرح شد و این امر مبین ایدئولوژی قیام و ارتباط حرکت جهادی مبارزین با علماء و استراتژی مذهبی رهبر عملیات، رئیس علی دلواری است که به نقل از تاریخ نویسان و مطلعین بر سنگر مبارزه آن مجاهد راستین پرچم «نصر من الله و فتح قریب» نصب بوده است.

**اوج گیری قیام، نقش واسموس آلمانی و جهت گیری رئیس علی دلواری**

پس از جنگ دلواری، قیام مردمی علیه اشغالگران انگلیسی وارد مرحله جدیدی شد. مقاومت برخاسته از ایمان دلیران تنگستانی به رهبری رئیس علی و شکست قوای انگلیسی در سراسر منطقه و کشور پیچیده و به زودی این خیر از مرزهای کشور فراتر رفت. سران قبایل و حکام محلی به جمع آوری نیروها و امکانات خود پرداخته و منطقه تنگستان کانون و محل تجمع نیروها و برنامه ریزی و صحنه اجرای طرح های عملیاتی گردید. واسموس آلمانی نیز به علت درگیر بودن کشورش با متفقین و تبعید کنسول آلمان از بوشهر به هند، توسط انگلیسی ها به کمک مجاهدین شتافته و در تنگستان مستقر گردید.

نیروهای شیخ حسین خان و زائر خضرخان هم در چغادک گرد آمدند و مقابله با قوای اشغالگر هماهنگ شد. انگلیسی ها سعی در تخطئه حرکت و قیام مردمی داشتند و وجود واسموس در بین مبارزین را دستاویز قرار داده، تلاش نمودند این حرکت ملی- مذهبی را به تحریکات واسموس نسبت دهند. این امر، رئیس علی را که هوشیارانه متوجه اوضاع و خواستار استقلال قیام بود حساس نمود، بدان حد که نیروهای تحت امر وی، تهیه آذوقه و امکانات خود را به هیچ وجه با استفاده از هزینه های واسموس نمی پذیرفتند و به گفته حاج محمد نامور خواهرزاده رئیس علی، ابواب جمعی و سفره واسموس را قابل استفاده نمی دانستند و او را نیز اجنبی خطاب می کردند. از قرائن و شواهد برمی آید هر چند بقیه سران قیام نیز نمی گذاشتند ابتکار عمل به دست واسموس باشد و صرفاً از اطلاعات و مساعدت های او در پیشبرد اهداف مبارزه سود می جستند، اما شخص رئیس علی با بینش وسیعی تری موضع گیری داشت. اسماعیل نوری زاده بوشهری در کتاب نظری به ایران و خلیج فارس راجع به جنگ دلواری و مطلب ورود واسموس آلمانی به برازجان می نویسد: «... در این جا، واسموس مطلع می شود که کشتی جنگی انگلیسی ها موسوم به «جنو» بندر دلواری را نزدیک بوشهر بمباران نموده و زد و خوردی بین انگلیسی ها و رئیس علی واقع شده، سبب بمباران بندر دلواری و جنگ با رئیس علی خان دلواری این بود که انگلیسی ها مسأله ای به دست آورده بودند که او با بازرگانان آلمانی در بوشهر مکاتبه داشته است.» اگر نوشته فوق را مورد توجه قرار دهیم، به خواستگاه رئیس علی مبنی بر تنظیم رابطه با واسموس و تکیه بر استقلال فکری و عملی قیام و جلوگیری از سوء استفاده انگلیسی ها نسبت به حضور واسموس بین مجاهدین پی می بریم. سابقه چنین هوشیاری و وسعت دیدی را قبلاً نیز از شخص رئیس علی یادآور شدیم. همان طور که در زمان جنگ جهانی اول در نامه وی به شیخ محمدحسین

**نامه سراسر سوز و عشق به دین و میهن و ملت رئیس علی، در بردارنده نکات ظریف و مهمی است که شایسته تحلیلی عمیق و غوری دقیق است و با توجه به برهه زمانی و موقعیت اجتماعی وی، در محتوا و صراحت کلام، منحصر به فرد است.**

برازجانی آمده است که: «... انگلیسی ها انتشار می دهند که فلانی حمایت از قنسول جرمن دارد. به حول و قوه خداوندی از هیچکس اندیشه و باک ندارم...»

یکی از مواردی که اراده تصمیم گیری مستقل رئیس علی در برابر واسموس را نشان می دهد، موقعی است که شیخ حسین خان و اتباعش برای کمین به کوه کزی می روند و چون اشتباهاً از سوی نیروهای تحت امر تیری شلیک می شود، یکی از ابواب جمعی به قتل می رسد، شیخ حسین خان این موضوع را به فال بد می گیرد و مراجعت می نماید. اصرار واسموس مبنی بر عدم مراجعت نیز سودی نمی بخشد، لذا یکه و تنها در راه رئیس علی و

اتباعش که مقرر بوده به نیروهای شیخ حسین خان پیوندند می ایستد تا او را مانع شود. واسموس با شرح قضیه، بازگشت شیخ حسین خان و نیروهایش را به اطلاع رئیس علی می رساند و خواستار مراجعت رئیس علی می گردد، اما رئیس علی وقعی نمی نهد و اقدام به اجرای عملیات و حضور در صحنه مورد نظر می نماید. [نمونه این مورد در خصوص یکی از ابواب جمعی زائر خضرخان نیز اتفاق افتاد که اصرار واسموس در مورد ماندن وی و اتباعش در صحنه کارگر نیافتاد و وقتی به محل کمین رئیس علی و تفنگچیان «کوه کزی» رفت تا او را نیز با توجه به عده قلیل راضی به ترک صحنه نماید، رئیس علی در جواب با حالت خشم و غضب می گوید خدا در قرآن فرموده: «کم من فئه قلیله غلت فئه کثیره باذن الله» و بعد واسموس را راهی روستای پهلوان کشتی (محل تمرکز نیروهای مجاهدین) می کند. این امر علاوه بر آن که نشان دهنده ایمان او و تکیه به امور مذهبی است، بیانگر عدم توجه به نظرات واسموس نیز هست. از همه روشن تر مکتوبی است که واسموس به شیخ محمدحسین برازجانی نوشته و پاسخی که ایشان ارسال داشته است. واسموس در این مکتوب، پس از شرح شجاعت و مردانگی رئیس علی دلواری و سایرین می نویسد:

«... از آقایان زائر خضرخان و شیخ حسین خان استدعا کردم که اجازه دهند با آن ها به میدان جنگ رهسپار شوم، به هیچ وجه قبول نکردند و می گویند بودن شما در میدان جنگ لزومی ندارد. شما اجنبی و مهمان هستید و در اهرم آسوده باشید. ما هرگز شما را به میدان جنگ نخواهیم برد که بعدها انگلیسی ها بگویند واسموس به آن ها تعلیم می داد و جنگ می کرد. خواهشمندم به مجاهدین توصیه کنید که اجازه دهند من در جنگ حاضر شوم...» شیخ محمدحسین در جواب، شجاعت رئیس علی را ستود، از اتحاد دلیران تمجید کرد و به واسموس نوشت:

«آقای واسموس، مراسله شریفه واصل شد. راجع به تقاضایی که از مجاهدین کرده اید و آن ها اجابت نکرده اند، معلوم شد در این قسمت حق با مجاهدین است. شما مهمان ما هستید و حضور در میدان زد و خورد از انصاف میزبان دور است. ما هم با عقیده آن ها موافقیم که سرکار در اهرم توقف کنید و عجلتاً از رفتن به چغادک صرف نظر نمایید. زیرا علاوه بر این که شاید خدای نکرده در آن جا به شما آسیبی برسد، از زیاد شدن یک نفر بر مجاهدین نتیجه مهمی حاصل نمی گردد. پس خواهش می کنم که همیشه مهمان باشید و به ما اجازه دهید که به مقتضای خوی نیکان خویش، صفت مستحسن مهمان نوازی را از کف ندهیم و مهمان عزیز را به قربانگاه نبریم.» [این موضع گیری ها به وضوح شایعات تحریک واسموس و انتساب حرکت مردمی مجاهدین به کنسول آلمان را رد می کند.

در طول مدت فراگیر شدن جهاد مردمی و بسیج نیروهای مبارز علیه قوای اشغالگر تا زمان شهادت رئیس علی، همواره عملیات جنگی با حضور رئیس علی، توأم با موفقیت و پیروزی بود و با وجود زائر خضرخان و شیخ حسین خان، حضور رئیس علی در صحنه های مبارزه پشتوانه و دلگرمی شایان توجهی برای مجاهدین بود.





وجود نمی‌آمد و آغاز و انجام عملیات را دقیقاً خود تحت نظر داشت. این خصوصیت در بین دیگر نیروها، خصوصاً در کوران مبارزه و درگیری، کمتر وجود داشت و همین ضعف در آنان بعضاً بهره برداری بهینه و لازم از نیروها را در پی نداشت.

- پیش قدمی و جلوداری در شروع عملیات: آمادگی رزمی و سرعت در اجرای عملیات از خصوصیات بارز رئیس علی بود. مهارت در تیراندازی و اسب سواری نیز کمک شایانی به کیفیت کار او می‌نمود.

- پیش بینی لازم در امور جنگی: این پیش بینی، چه از نظر تهیه و تأمین ادوات جنگی و چه تبعات عملیات و نتایج حاصله، به خوبی در برنامه های رزمی رئیس علی ملاحظه می‌شد.

نقل شده است که در اوایل وقوع جنگ، اهالی روستاهای دلوار و محمد عامری به دستور رئیس علی، مقدار زیادی گندم به شیخ نشین های خلیج فارس از جمله قطر که با آنجا روابط تجاری داشتند حمل نموده و در مقابل، تعداد زیادی تفنگ و فشنگ، تهیه و وارد منطقه تنگستان نمودند، زیرا پیش بینی می‌شد که با اوج گیری جنگ، کشتی های جنگی دشمن، مانع ورود اسلحه توسط مجاهدین به منطقه جنگی خواهند شد.

- دستور تقدم در کشتار افراد انگلیسی و تلاش در آسیب رسانی کمتر به افراد هندی: رئیس علی معتقد بود

**انگلیسی ها که کانون خطر را دلوار و سرسخت ترین دشمن خود را رئیس علی می دانستند، تلاش نمودند با تطمیع، وی را جذب و سیاست همیشگی خود را در خنثی نمودن خطرات از طریق تطمیع اجرا کنند.**

که افراد هندی به دلیل مستعمره بودن کشورشان تحت سیطره انگلیسی ها بوده و حضورشان در میدان های جنگ از روی اجبار و اکراه است، لذا دستور داده بود که حتی الامکان از کشتن آنان خودداری شود و مجاهدین، هدف خود را نابودی افراد انگلیسی قرار دهند.

- رعایت اصول و رفتار انسانی در جنگ: برخورد جوانمردانه رئیس علی با اسراء و زخمی های دشمن زبانزد خاص و عام بود. این روحیه در همه مجاهدین خصوصاً سران نهضت وجود داشت، ولیکن رئیس علی در این خصوص از رادمنشی ویژه ای برخوردار بود. یکی از دلایل عدم پاسخ سران قیام به درخواست انگلیسی ها مبنی بر تسلیم نمودن واسموس آلمانی،

### تاکتیک های رزمی رئیس علی دلواری

علیرغم عدم آموزش کلاسیک نظامی و صرفاً فراگیری آموزش های مرسوم محلی، رئیس علی دلواری از استعداد و نبوغ بالای رزمی برخوردار بود. این موضوع یقیناً علاوه بر ایمان و اراده قوی و روحیه عالی وی، حکایت از آمادگی جسمی و توانایی های بدنی او نیز داشت. در گذشته که مراکز آموزش نظامی و علوم خاص رزمی برای نیروهای محلی وجود نداشت، آمادگی های دفاعی منوط به کسب تجارب لازم بود. حکام محلی در درگیری های قومی و دعاوی ارضی و توسعه قلمرو حکومتی بود که کسب تجربه می نمودند، لذا هر چه زمینه این برخوردها و موقعیت اختلافات منطقه ای برای افراد بیشتر وجود داشت، آن افراد نیز ناگزیر به آمادگی متناسب با موقعیت خود بودند. رئیس علی دلواری که عنوان کدخدایی داشت و موقعیت وی شامل قدرت درون منطقه ای بود و در حقیقت یکی از اجزاء حکومت منطقه ای تحت ضابطی تنگستان به شمار می رفت، از موضع چندان حساسی برخوردار نبود که این آمادگی بالای روحی و جسمی را براساس تجربه دریافت کرده باشد آن هم با توجه به زنده بودن پدرش و جوان سال بودن رئیس علی این زمینه بایستی کمتر ایجاد شده باشد، مع الوصف قدرت روحی و آمادگی جسمی وی، به وضوح، شایستگی او را حتی فراتر از ضابطی منطقه نشان می داد و همین خصوصیات بود که وی را در مصدر امور قیام مردمی قرار داد و بدون تلاش تبلیغی در مرکز دایره دفاع و در رأس همه تهاجم علیه دشمنان جای گرفت و تاریخ، شایستگی او را در مقام رهبری نهضت امضاء نمود.

خصوصیات و تاکتیک های رزمی رئیس علی را می توان در موارد ذیل اشاره نمود:

- کسب اطلاعات مستمر از موقعیت نیروهای دشمن و ارزیابی وضعیت قوای دشمن جهت تنظیم موقعیت نیروهای خود.

- هجوم سریع و پاسخ متقابل بدون وقفه با توجه به شناخت روحیه دشمن.

- اجرای تاکتیک رزمی جنگ و گریز: در اغلب حملات نیروهای تنگستانی به رهبری رئیس علی، این روش ملاحظه می شود. اجرای این تاکتیک با توجه به قلت مجاهدین و کثرت نیروی دشمن و موقعیت و شرایط نابرابر جنگی مطلوب ترین شیوه نبرد بوده است.

- اجرای عملیات شبیخون به دشمن: به خاطر عدم آشنایی کامل انگلیسی ها با محیط و عوارض طبیعی منطقه، عملیات شبیخون، از روش های موفق مبارزین بوده که همیشه با قلع و قمع مقرهای دشمن همراه بوده است و نمونه های آن در جنگ دلوار و همچنین شبیخون های مکرر به محل استقرار نیروهای انگلیسی در بهمنی و تنگک قابل ملاحظه است. این روش باعث تضعیف شدید روحیه و ایجاد دلهره در قوای دشمن نیز می گردید.

- اتکاء به نفس و اتخاذ روش های مناسب در نبرد: حفظ خون سردی و عدم دستپاچی از سوی رئیس علی موجب اتخاذ روش درست و به موقع در درگیری ها می شد. این خصوصیت و در اغلب برخوردها باعث تقویت روحیه افراد و در نتیجه پیروزی آنان می گشت.

- قدرت فرماندهی در هدایت عملیات: این ویژگی به گونه ای بود که پراکندگی و سردرگمی در بین افراد به

همین روحیه جوانمردی سران قیام بود که درخواست را خلاف اصول اسلامی و موازین شرعی و انسانی می دانستند و آن را در ترازوی قضاوت تاریخ برای خود ننگ می شمردند.

### بخش سوم

#### سلسله نسب و زندگی رئیس علی دلواری

##### الف- نسب رئیس علی

آن چنان که از اقوال برمی آید، حدود ۲۰۰ سال قبل سه برادر به نام های احمدمحمد و حسن محمد و محمدمحمد، از ناحیه نورآباد لرستان [در خصوص محل اصلی و اولیة اجداد رئیس علی اقوال دیگری نیز وجود دارد از جمله این که مبدأ مهاجرت نیای وی نورآباد ممسنی یا کازرون بوده است. با بررسی به عمل آمده مبدا لرستان و انتساب خانوادگی وی به ایلات بختیاری مقرون به صحت است. البته در مورد اصل و نسب تنگستانی ها نظرات مختلف از مورخین و جغرافی نویسان ارائه شده است: آن چه از نوشته های جغرافی نویسان برمی آید این که تنگستانی ها از نژاد پارس (شعبه ای از نژاد آریین) هستند که در زمان پادشاهی انوشیروان ساسانی به دلایلی از منطقه بحر خزر به خاک بختیاری ها کوچ داده شده اند و بعداً از آن منطقه به تنگستان هجرت نموده اند. (این نظریه به صحت نزدیکتر است). بعضی از مورخین مردم تنگستان را به جز یکی دو طایفه که از نژاد لور و ایرانی اصل دانسته اند. برخی نیز تنگستانی ها را مخلوطی از عرب و عجم شمرده اند. به دنبال درگیری های قومی و اختلافات محلی و طایفه ای جلاء وطن نموده و راهی جنوب کشور می شوند. آنان به سواحل خلیج فارس رسیده و ناحیه تنگستان را به عنوان محل سکونت انتخاب می کنند و در آنجا رحل اقامت می افکنند. به گفته آقای حاج محمود نامور، خواهرزاده رئیس علی، احمد در روستای دلوار سکنی می گزیند و حسن در روستای چاه تلخ و محمد در روستای گلکی اسکان می یابند. از قرار معلوم، حسن در همان اوان اقامت در قلعه موسوم به قلعه تنگستان،

در اصلاح ذات‌البین پیش قدم و پیوسته رافع اختلافات بود. مجموعه این خصوصیات، موجب پیوند قلبی مردم با خانواده او می‌شد و نتیجتاً صفا، صمیمیت و محبت وی با اهالی منطقه در پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ مردم در زمان جنگ از رئیس‌علی مؤثر بود.

زائر محمد دارای سه زن به نام‌های شهین، سبزه گل و سلطان بوده که ثمره ازدواج با شهین خانم سه پسر به نام‌های رئیس‌علی، غلام‌حسین و امیر و پنج دختر به نام‌های سکینه، پریخان، فاطمه، خیری و مدینه بوده است. [در تحقیق به عمل آمده برخی معتقد بودند که رئیس‌علی دارای دو پسر به نام‌های غلام‌حسین و رئیس‌علی بوده است بعضی نیز فقط تنها پسر او را رئیس‌علی می‌دانند]. از همسر دوم، زائر محمد سه دختر به نام‌های زلیخا، فاطمه و پریشان دارا شد. از زن سومش سلطان فرزند قاسم اهل جاینک یک دختر به نام شهریانو داشته است.

غلام‌حسین و امیر در سن ۶ و ۷ سالگی فوت می‌نمایند. بنا به اظهار آقای نامور که زائر محمد را دارای دو پسر (غلام‌حسین و رئیس‌علی) می‌داند، غلام‌حسین در کودکی زیر آوار رفته و فوت می‌نماید. آنچه مشخص است، غیر از رئیس‌علی، پسر دیگری از زائر محمد نمانده است.

زائر محمد پس از شهادت جان‌گداز رئیس‌علی دچار اندوه و تأثر شدید شد، متنها قدرت روحی و ایمان استوار و تعبد دینی وی موجب تحمل و بردباری او گردید و تا ۲۳ سال بعد از شهادت آن دلاور یعنی تا حدود ۱۲۵۶ ه.ق زندگی وی ادامه داشت.

#### زندگی رئیس‌علی دولاری

رئیس‌علی در سال ۱۲۹۹ هجری قمری در روستای دلوار متولد شده که با توجه به سال شهادت وی یعنی سال ۱۳۳۳ هجری قمری طول عمر با افتخار آن شهید ۳۴ سال بوده است. وی در طول حیات خود چهار زن اختیار کرد که عبارت بودند از:

۱- خیری (خیرالنساء) دختر خسرو، اهل روستای انبارک.

۲- خیری (خیرالنساء) فرزند عبدالحسین، اهل روستای دلوار.

۳- فاطمه آغا، از طایفه بهی، روستای تل سیاه.

۴- مدینه، دختر صفر، اهل روستای دلوار.

رئیس‌علی، از همسر اول، دوم و سوم دارای فرزندی نشده فقط از همسر چهارم پسر به نام عبدالحسین موسوم به «بهادر» دارا شده است که بعداً شهرت «شهیدی» (انتخاب شهرت «شهیدی» به مناسبت شهادت پدرشان بوده است.) برای خود انتخاب نمود و از ازدواج وی با زبیده دختر عبدالرضا توانا (دختر عمه خود) سه فرزند به نام‌های غلام‌حسین، فرنگیس و گل اندام حاصل شد که غلام‌حسین و فرنگیس در قید حیات نیستند و تنها بازمانده ایشان «گل اندام» است که اکنون در قید حیات و همسر «حاج کرم توانا» اهل جاینک بوده است.

رئیس‌علی نیز چون دیگر کودکان هم‌دوره خود از زمان طفولیت به مکتب‌خانه [مکتب‌خانه تنها مرکز آموزش و تعلیم و تربیت آن زمان در مناطق روستایی بوده است. به غیر از آن مرکز تعلیم و آموزش خاصی وجود نداشته مگر حوزه‌های علمیه در مرکز برخی مناطق مانند بوشهر، برازجان و دشتی یا مدارس جدید مانند مدرسه سعادت بوشهر یا مدارس محدود دیگر که آن هم در مرکز

### ۸- نامه تهدیدآمیزی از طرف مقامات انگلیسی به رئیس‌علی نگاشته شد که در آن اعلام شده بود: «چنانچه بر ضد دولت انگلیس قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ می‌نماییم. در این صورت خانه‌های تان ویران و نخیلات تان را قطع خواهیم کرد.» رئیس‌علی در پاسخ نوشت: «خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آن‌ها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراتوری بریتانیای کبیر است.

بوده است و از این طریق ارتزاق می‌نموده و فقراء را نیز تحت پوشش قرار می‌داده است. از اخذ مالیات و حق راهداری مرسوم در آن زمان خودداری می‌نموده و مالیات حوزه سرپرستی او به وسیله مأمورین وصول مالیات ضابط تنگستان، مستقیماً دریافت می‌شده است. زائر محمد از نظر جسمانی دارای اندامی متناسب و رشید و بلندبالا بوده است. در جریان قیام تنگستان با همت و اراده قوی، منزل خود را محل برنامه ریزی و تدارکات جنگی مجاهدین قرار داده و شخصاً با ارسال نامه‌هایی به کدخدایان همجوار، آنان را به شرکت فعال در جنگ دعوت کرده و عملاً پشتیبانی و هماهنگی و تدارکات جنگ را سرپرستی و هدایت می‌نموده است. وی در جنگ دلوار بر اثر بمباران توپخانه انگلیسی‌ها از ناحیه پا زخمی شد، ولیکن علیرغم آن، تا آخرین لحظات زندگی رئیس‌علی به عنوان پشتوانه قوی فرزند خود ایفاء نقش نمود.

زائر محمد از لحاظ تقلید مذهبی و عمل به فرائض دینی زبانه‌زاد خاص و عام بود. همواره در منزل او جلسات روضه خوانی و قرائت قرآن منعقد می‌شد. از عادات و سنت‌های حسنه او سرکشی و رسیدگی مستمر به خانواده‌های فقیر و بی‌سرپرست و استفسار وضع عمومی خانواده‌ها و ایجاد ارتباط مداوم با اهالی بود.



واقع در نزدیکی چاه تلخ به دست عمال خان کشته می‌شود. علت قتل وی چندان مشخص نیست، ولیکن گفته شده است که ابتدا شایعه سهوی بودن قتل مطرح شده و با گذشت زمان، بیشتر جنبه تعمدی آن در اذهان تقویت شده است. از محمد، اولادی به وجود می‌آید که سلسله مشخصی پس از وی نقل نشده است، اما احمد که جد ششم رئیس‌علی محسوب می‌شود، اخلاف آن به ترتیب: عوض، عالی، زائر غلام‌حسین، زائر محمد و رئیس‌علی هستند. به دلیل استعداد و رشادت، آباء رئیس‌علی همگی سمت کدخدایی و رئیسی داشته و هر کدام در زمان خود مرجع رتق و فتق امور مردم بوده‌اند. پس از آن‌که نام خانوادگی در کشور مرسوم می‌شود، فرزندان احمد، فامیل «احمدی» را برای خود انتخاب می‌کنند که انتساب آنان را به «احمد» نمایان می‌سازد.

رئیس‌علی، فرزند زائر محمد، از طایفه مشهور به «نیامتی» است. مادرش خانم شاه‌ی (شهین) دختر علی، فرزند زائر محمد از طایفه فولادی اهل باغک تنگستان است. وی با اهالی قریه گلکی قرابت نزدیک خویشاوندی داشت چون مادر پدرش پریزادخانم دختر حاج احمد از طایفه معروف به ممستی، ساکن قریه گلکی بوده است. [ممکن است وصلت بین این دو طایفه نیابتی و ممستی، به خاطر قرابت خویشاوندی نسبی نیز بوده باشد و اتصال طایفه ممستی را به جد ششم، محمدمحمد، برساند. هر چند اطلاع دقیقی در این رابطه به دست نیامده است] وی همچنین با اهالی روستاهای انبارک، باغک، چاه تلخ، چغادک و اهرم، نسبت خویشاوندی نسبی و سببی داشته باشد.

در این خصوص که از مبدا مهاجرت رئیس‌علی، اجداد ارتباط خویشاوندی احتمالی، در سنوات بعد با خانواده رئیس‌علی ایجاد شده باشد، مورد روشنی به دست نیامده، لیکن بنا به اظهار آقای نامور، در برخی مواقع، افرادی از سرحدات بختیاری که جهت خرید و فروش اسلحه به سواحل تنگستان می‌آمده‌اند، ابراز تعلق و اظهار نسبت نزدیک فامیلی با خانواده زائر محمد پدر رئیس‌علی می‌نموده‌اند.

#### زائر محمد پدر رئیس‌علی

زائر محمد کدخدای دلوار بوده که پس از شهادت رئیس‌علی در سفر احمدشاه قاجار به بوشهر به حضور وی رسیده و از طرف احمدشاه لقب شجاع‌الدین گرفته است [احمدشاه در بازگشت از اروپا به وسیله کشتی در بندر بوشهر پیاده شده و مرحوم زائر محمد را به حضور پذیرفته، او را مورد اعزاز و تفقد خاص قرار داده و مدال (نشان) افتخار نیز در همین دیدار اعطاء نموده است]. زائر محمد به دلیل دارا بودن صفات و خصوصیات حسنه، مورد احترام و اکرام عموم مردم نواحی تنگستان خصوصاً منطقه ساحلی بوده است. زائر محمد با رعیت خود رفتار شایسته انسانی داشته و در طول حیات خویش ملجاء و مرجع مستمندان و بیچارگان بوده است. او نه تنها برخلاف روش دیگر کدخدایان و خوانین، زیردستان را تحت فشار قرار نمی‌داده، که مدجانه در برابر ظلم و تعدی دیگران نسبت به ضعفاء ایستادگی می‌کرده و نسبت به دستگیری از بینوایان، اهتمام کامل می‌ورزیده و بدین سبب در بین مردم از نفوذ معنوی بسیار برخوردار بوده است. وی از نظر دارایی و اموال، وضع نسبتاً خوب و مناسبی داشته و دارای باغ، احشام و بوم (کشتی) مسافری و باری



هر منطقه بوده و روستاها فاقد این امکانات آموزشی بوده‌اند. رفته و پس از فراگیری قرآن، به خواندن کتب ادبی و دیوان اشعار شعرای بزرگ چون کلیات سعدی، خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ و امثال آن پرداخته و بنا به سنت مرسوم منطقه دوره کتابت و املاء و انشاء را نیز در نزد معلم مکتب‌خانه مرحوم شیخ عبدالحسین و شیخ محمد که اصالتاً بحرینی بوده و در روستای بردخون سکنی داشته‌اند گذرانده است. البته شیوخ مذکور به دعوت مرحوم زائر محمد، پدر رئیس علی مکتب‌خانه را تأسیس نموده بودند.

از نظر جسمانی، رئیس علی رشید، با اندامی متوسط و متناسب و چهره‌ای گندم‌گون و از نظر روحی مصمم و قاطع، با اراده و با ایمان، شجاع و بی‌باک و دارای صراحت‌لهجه بوده است. از دوران کودکی پر جنب و جوش و فعال بوده و در دوره نوجوانی مهارت‌های لازم را در امر تیراندازی، اسب سواری و کوهنوردی کسب نموده است.

از نظر روابط اجتماعی، دارای ویژگی‌هایی از قبیل حسن سلوک و خوش خلقی، تعهد و اعتماد، صلاح و انصاف، قدرشناسی و سخاوت بوده و بر دستگیری از درمندگان و رسیدگی به مستمندان اهتمام تمام می‌ورزیده است.

تقید و تعبد دینی و مذهبی رئیس علی، مشهور خاص و عام و منزل وی همواره مجلس فیض قرآن و مراسم نوحه‌خوانی و عزاداری ائمه معصومین (ع) و محفل کتاب خوانی و علم و ادب بوده است. شخصاً مؤذن بوده، نماز شب را همیشه به جای می‌آورده و با قرآن، انس دائمی داشته است. با روحانیون منطقه، ارتباط مستمر داشته و برای علماء، احترام خاص قائل بوده، خصوصاً با آیت الله بلادی، جناب علم الهدی اهرمی و آقا علی نقی دشتی و شیخ محمدحسین برازجانی رفت و آمد داشته و هم جلیس بوده است.

از سنت‌های حسنه او و پدرش، افطاری دادن در ماه مبارک رمضان بوده که حدود ۳۵ الی ۴۰ نفر از مردم فقیر مستمند را همه روزه افطاری می‌داده‌اند و نظارت و میزبانی را شخصاً بر عهده داشته‌اند، به طوری که اگر یک شب، افرادی بر سر سفره افطاری حاضر نبودند، به دنبال آنان می‌فرستادند و از احوال آن‌ها استفسار می‌کردند و می‌گفتند این افطاری حق و سهم خودتان می‌باشد. همچنین به خانواده‌هایی که دارای فرزند می‌شدند، سر می‌زدند و قدم نورسیده را مبارک باد می‌گفتند و برای هر نوزاد پسر، مبلغ ده تومان در نظر می‌گرفتند و زائر محمد ابراز می‌داشت که این پسر، یک تفنگچی و رزمنده برای رئیس علی خواهد شد و جهت نوزاد دختر نیز شیرینی منظور می‌نمودند.

زندگی اجتماعی رئیس علی، به دلیل قرار گرفتن وی در شرایط و موقعیت سرپرستی و کدخدایی منطقه دلوار، از همان دوران نوجوانی شکل گرفت و به سرعت وارد مرحله رشد و بالندگی شد. با توجه به قوه و استعداد درونی، در مدت کوتاهی، این قوه به فعل رسید و مجموعه خصایل و فضائل برجسته او بین الاقران وی را ممتاز نمود، به طوری که عملاً کلیه امور مردمی و ایجاد، روابط هم‌جواری با دیگر کدخدایان و خوانین محلی و منطقه‌ای را در زمان حیات پدر، شخصاً عهده‌دار گردید و نظر به درایت شهامت و جوانمردی وی، روز به روز بر حلقه دوستان و یارانش افزوده می‌گشت و طبیعی بود در آن شرایط زمانی و وجود سیستم ملوک‌طوایفی که نفوذ

و قلمرو ارضی هر حاکم، رابطه مستقیمی با ویژگی‌ها و شایستگی‌های فردی داشت، وجود رئیس علی محسود و مغایر گرایش‌های خوانین و کدخدایان مناطق همجوار واقع شود و چنانکه در آغاز فصل اشاره شد، قیام مردمی و دشمن‌ستیز دلبران تنگستان به رهبری رئیس علی موجب گردید به موازات بالندگی شتابدار و رشد سریع شخصیتی او در عرضه نبرد با اجانب، که می‌رفت تا موقعیت دیگر سران منطقه را تحت الشعاع خود قرار دهد و موازنه قدرت و شهرت را با ایجاد موقعیت و جایگاه فرماندهی‌های به نفع وی تمام کند، حسادت حاسدان نیز به کینه تیزی مبدل شد و آخر الامر سیاست اهریمنی و شیطانی غفرت استعمارگر انگلیس با سوء استفاده از این شرایط، موجبات شهادت آن دلیر آزاده را فراهم آورد و تیر کینه اجنبی، از روزنه دید تنگ صیت شهرتش را بر طنین و نوک کوتاه مگسک اسلحه، جایگاه ابدیش را بر قلعه رفیع آزادی تعیین نمود.

در این‌جا به منظور معرفی بیشتر خانواده رئیس علی، نمودار سلسله نسب وی را ترسیم نموده‌ایم:

#### شهادت رئیس علی و انعکاس آن

رئیس علی، در شب سوم سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی روز ۲۳ شوال ۱۳۳۳ ه.ق در جریان شش‌پنجون به نیروهای انگلیس در محل تنگک، مورد اصابت گلوله قرار گرفت و شهید شد. در مورد کیفیت شهادت این سردار رشید اقوال مختلفی وجود دارد که بنا به ایجاز مبحث جای مقال آن نیست. به هر حال جسد رئیس علی به گورک سادات انتقال داده شد و پس از تغسیل و تکفین طی مراسم خاصی و با حضور اکثر اهالی منطقه تنگستان و مناطق هم‌جوار تشییع و به آبادی «مل‌گپ» که پدرش زائر محمد و تفنگچیان وی در آن‌جا حضور داشته‌اند انتقال داده می‌شود و در محلی موسوم به «کله‌بند» در جوار امامزاده‌ای که در آن‌جا مدفون است، به رسم امانت نگهداری می‌گردد. شش ماه بعد، تابوت وی را به نجف

**در طول مدت فراگیر شدن جهاد مردمی و بسیج نیروهای مبارز علیه قوای اشغالگر تا زمان شهادت رئیس علی، همواره عملیات جنگی با حضور رئیس علی، توأم با موفقیت و پیروزی بود و با وجود زائر خضر خان و شیخ حسین خان، حضور رئیس علی در صحنه‌های مبارزه پشوتانه و دلگرمی شایان توجهی برای مجاهدین بود.**

اشرف انتقال می‌دهند و در قبرستان وادی السلام به خاک می‌سپارند.

خبیر شهادت رئیس علی، بلافاصله در تمامی مناطق بوشهر، تنگستان، دشتی و دشتستان پیچید و عموم اهالی سیاه پوش و عزادار گردیدند. در کلیه مساجد و حسینیه‌ها مجالس عزا و روضه خوانی برگزار گردید. در برازجان، مرحوم شیخ محمدحسین برازجانی مجلس ختم گرفت. خبر این حادثه مؤلمه به شیراز و تهران رسید. مردم شیراز در مسجد وکیل جمع شدند و ضمن عزاداری، مصمم به مساعدت تنگستانی‌ها گردیدند. ضیاء الواعظین بر منبر، خطابه ایراد نمود و مردم را به

مقابله با انگلیسی‌ها تهییج کرد.

«در تهران نیز دولت وقت، با آن‌که به ظاهر اعلام بی‌طرفی داده بود، قیام تنگستانی‌ها را قیامی مردانه و به حق اعلام نمود و میرزا حسن خان مستوفی الممالک، رئیس‌الوزراء وقت، در اوراقی که به ژنرالین طبع کرده بود، برای کلیه نمایندگان وزارت خارجه فرستاد و قیام دشتستانیان و تنگستانیان را ستایش کرد و آن‌ها را به جوانمردی و مردانگی ستود و قیام آن‌ها را علیه اجنبی نتیجه احجافات اجانب دانست و همین که رئیس علی شهید شد، در مسجد شاه تهران برای او ختم گذاشت.» [رکن زاده، آدمیت، محمدحسین: فارس و جنگ بین الملل اول، ص ۵]

علماء و روحانیون، از جمله آیت اله شیخ جعفر محلاتی و فرزندش شیخ بهاء الدین در شیراز، آیت الله سید مرتضی مجتهد اهرمی و دیگر روحانیون و اعظم و اکابر، از مناطق دور و نزدیک جهت تسلیت به زائر محمد پدر رئیس علی به دلوار آمدند و ابراز همدردی نمودند.

شهادت جان‌گزار رئیس علی، موجب تفر و انزجار بیش از پیش مردم نسبت به اشغالگران انگلیسی شد و دامنه جنگ را وسعت بخشید. هر چند انگلیسی‌ها پس از اضمحلال نیروهای مجاهدین، برازجان را اشغال نمودند و با تشکیل پلیس جنوب در شیراز، مجاهدین را رو در روی افراد خودی قرار دادند، اما اسطوره مقاومت دلیرانه و جانبازی‌های ایثارگرا مردم جنوب، از مرزهای کشور ایران فراتر رفت و در قلب تاریخ تا ابد به یادگار ماند و بر قلعه رفیع ایمن مقاومت و پایداری، تندیس قهرمان آزاده، رئیس علی دلواری به عنوان سرباز جانباز دین و میهن قرار گرفت.

هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

#### منابع

۱- رکن زاده، آدمیت، محمدحسین: فارس و جنگ بین الملل اول، تهران، چاپ تابش، چاپ سوم، دی ماه ۱۳۴۹.

۲- سایکس سرپرسی: تاریخ ایران، جلد ۲ (ترجمه فخر داعی گیلانی، سید محمد تقی)، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ پنجم ۱۳۷۰.

۳- سایکس سرپرسی: فعالیت‌های جاسوسی واسموس یا لارنس آلمانی در ایران، ترجمه سعادت نوری، حسین، تهران، انتشارات وحید.

۴- فراش بندی، علی مراد: جنوب ایران در مبارزات ضداستعماری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول ۱۳۳۷.

۵- فراش بندی، علی مراد: گوشه‌ای از تاریخ انقلاب مسلحانه مردم مبارزه تنگستان، دشتی و دشتستان علیه استعمار، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۶- ملک زاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت، تهران، انتشارات علمی، جلد ۱ و ۲.

۷- حاجی نژاد، غلامرضا: تحلیلی بر زندگی رئیس علی دلواری، نشر شروه، چاپ اول، بوشهر ۱۳۷۱.

#### منابع شفاهی:

۸- مصاحبه با حاج محمد نامور

۹- خداکرم توانا

۱۰- خانم گل اندام (نوه مرحوم رئیس علی)

۱۱- حاج کرم عالی پور

۱۲- عباس رضائی ■